

نقش

سازمان ملل متحد

در

توسعه همکاری‌های اقتصادی

دکتر سید داود آقایی

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران



سرشناسه: آقای، سید داود، ۱۳۳۳ -
 عنوان و نام پدیدآور: نقش سازمان ملل متحد در توسعه همکاری‌های
 اقتصادی / سید داود آقای
 مشخصات نشر: تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴
 مشخصات ظاهری: ۲۷۲ ص.
 شابک: 978-964-511-617-8
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا
 یادداشت: کتابنامه
 موضوع: سازمان ملل متحد
 موضوع: اقتصاد بین‌الملل -- یکپارچه
 موضوع: همکاری‌های بین‌المللی
 موضوع: سازمان‌های بین‌المللی
 رده‌بندی کنگره: HF ۱۴۸۱/۵/۷۷
 رده‌بندی دیویی: ۳۳۷/۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۲۰۱۸۴

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، فایل الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز
 از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد.
 لطفاً در صورت مشاهده، موارد را به شماره تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

۸۱۸

نشر میزان

نقش سازمان ملل متحد در توسعه همکاری‌های اقتصادی

دکتر سید داود آقای

چاپ اول: بهار ۱۳۹۴

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

شمار: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۶۱۷-۸

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاوسی‌فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخرآزی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۳۹۵۲۹-۳۱

پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۲۱	فصل اول - نقش سازمان ملل متحد در توسعه همکاری‌های اقتصادی ...
۲۱	طرح مسأله
۲۳	انگیزه تحقیق
۲۴	سوال اصلی و سوالات فرعی
۲۵	روش پژوهش و تعریف کاربردی فرضیه پیشنهادی
۲۶	پیش درآمد
۲۷	طرح مسأله و چارچوب تئوریک پژوهش
۳۱	توسعه اقتصادی و اجتماعی از جمله اهداف والای سازمان ملل متحد
۳۴	هماهنگ سازی فعالیت‌های توسعه
۳۶	توسعه اقتصادی
۳۷	کمک توسعه رسمی
۴۰	حمایت از توسعه در سراسر جهان
۴۲	وام برای توسعه
۴۵	وام برای ثبات
۴۷	سرمایه‌گذاری و توسعه
۴۹	تجارت و توسعه
۵۳	توسعه کشاورزی
۵۵	توسعه صنعتی

کار و اشتغال	۵۶
سازوکارهای سازمان ملل متحد جهت توسعه همکاری‌های اقتصادی	۵۸
منشور و اصول مصرحه بر بهبود اوضاع اقتصادی ملل متحد	۵۹
فصل اول منشور و «آثار اقتصادی آن»	۵۹
فصل چهارم منشور و «آثار اقتصادی آن»	۶۰
فصل پنجم منشور و «آثار اقتصادی آن»	۶۰
فصل هفتم منشور و «آثار اقتصادی آن»	۶۰
فصل نهم منشور «همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی»	۶۰
فصل دهم منشور «شورای اقتصادی و اجتماعی»	۶۱
فصل یازدهم «اعلامیه راجع به سرزمین‌های غیرخودمختار و آثار اقتصادی آن»	۶۳
فصل دوازدهم «نظام قیومت بین‌المللی و آثار اقتصادی آن»	۶۴
بررسی ارکان سازمان ملل و عملکرد اقتصادی آن‌ها	۶۵
نقش مجمع عمومی در پیشبرد اهداف اقتصادی سازمان ملل متحد	۶۵
شورای اقتصادی و اجتماعی (اکوسوک)	۶۶
«کمیسیون‌های اقتصادی منطقه‌ای اکوسوک»	۶۷
«سایر کمیسیون‌های اقتصادی اکوسوک»	۶۹
«سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی وابسته به اکوسوک»	۷۰
«سازمان بین‌المللی کار»	۷۰
«سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد FAO»	۷۲
«وظایف و فعالیت‌ها»	۷۳
«شورای بین‌المللی تغذیه»	۷۴
«صندوق بین‌المللی برای توسعه کشاورزی»	۷۴
«صندوق بین‌المللی پول»	۷۵
«تحولات در صندوق بین‌المللی پول و نظام پولی برتن وودز»	۷۷
«گروه بانک جهانی»	۷۸
اهداف بانک جهانی و وظایف و فعالیت‌های آن	۷۹
«رابطه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی»	۸۰

۸۰	«مؤسسه بین‌المللی توسعه» (IDA)
۸۱	«شرکت مالی بین‌المللی» (IFC)
۸۲	«آژانس چندجانبه تضمین سرمایه‌گذاری»
۸۲	«سازمان‌های بین‌المللی در زمینه حمل و نقل و ارتباطات»
۸۴	«سازمان بین‌المللی مشورتی دریایی (ایمکو)»
۸۵	«کنفرانس ملل متحد در مورد تجارت و توسعه (انکتاد)»
۸۶	«انکتاد و نظام نوین اقتصادی بین‌الملل»
۸۸	«سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد» (یونیدو)
۹۳	جایگاه زنان در برنامه توسعه سازمان ملل متحد
۹۶	محیط زیست
۹۹	اهداف توسعه پایدار
۱۰۹	منابع فصل اول

فصل دوم - استراتژی سازمان ملل برای توسعه همکاری‌های اقتصادی ۱۱۱

۱۱۳	بررسی عملکرد شورای اقتصادی و اجتماعی
۱۱۷	بررسی نقش و عملکرد مؤسسات مرتبط با شورای اقتصادی و اجتماعی
۱۱۷	کمیسیون‌های منطقه‌ای
۱۲۰	برنامه عمران ملل متحد
۱۲۱	برنامه عمران ملل متحد و مشکلات اقتصادی کشورها
۱۲۴	اشتغال و توسعه پایدار
۱۲۵	پیشرفت زنان
۱۲۶	حفاظت از محیط زیست
۱۲۷	حاکمیت دولت
۱۲۹	برنامه عمران ملل متحد در هند
۱۳۰	مشارکت مردم در سطح محلی
۱۳۱	حفاظت و نو سازی محیط زیست

- ۱۳۱..... حمایت از امور معیشتی پایدار
- ۱۳۲..... مساوات جنسی
- ۱۳۲..... مدیریت فاجعه
- ۱۳۳..... نظام هماهنگ سازی برنامه عمران ملل متحد
- ۱۳۴..... مروری بر فعالیت‌های برنامه عمران ملل متحد در ایران
- ۱۳۴..... ارزیابی میزان تأثیر عملکرد بخش دولتی و بخش خصوصی بر محیط زیست
- ۱۳۵..... تنوع زیست
- ۱۳۶..... تغییرات آب و هوا
- ۱۳۷..... برنامه زیست محیطی دریای خزر
- ۱۳۸..... مدیریت منابع خاک و آب
- ۱۴۰..... استراتژی کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد)
- ۱۴۷..... کمک‌های کنفرانس تجارت و توسعه به توسعه کشورهای آفریقایی
- ۱۴۸..... همکاری فنی و مشاوره
- ۱۵۴..... برنامه پایگاه تجاری کنفرانس تجارت و توسعه در ایران
- ۱۵۷..... سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)
- ۱۶۲..... برنامه یکپارچه «یونیدو» در کنیا
- ۱۶۴..... موقعیت بخش جرم سازی کنیا
- ۱۶۹..... کلیاتی درباره فعالیت‌های «یونیدو» در ایران
- ۱۷۰..... فعالیت‌های یونیدو در ایران از دهه ۱۹۹۰ به بعد
- ۱۷۵..... موسسه آموزش و پژوهش سازمان ملل متحد (یونیتار)
- ۱۷۸..... موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)
- ۱۹۰..... آژانس‌های مالی بین‌المللی
- ۱۹۰..... الف - صندوق بین‌المللی پول
- ۱۹۵..... ب: بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی)
- ۲۰۲..... منابع فصل دوم

• فصل سوم - راهبردهای شورای اقتصادی و اجتماعی برای توسعه در

کشورهای جنوب.....	۲۰۵
طرح دیدگاه‌ها و فرضیه پیشنهادی.....	۲۰۷
ارائه راهکارهایی برای اصلاح عملکرد شورا از طریق ارزیابی برنامه‌های شورا در	
هائیتی.....	۲۱۶
گزارش گروه مشورتی ویژه در هائیتی.....	۲۱۷
نقش سازمان ملل متحد در هائیتی.....	۲۲۰
میزان کمک‌های خارجی به هائیتی.....	۲۲۲
میزان تمرکز کمک‌ها در هر بخش از اقتصاد.....	۲۲۴
انسجام کمک‌های خارجی.....	۲۲۵
تاثیر کمک‌های خارجی بر توسعه اقتصادی هائیتی.....	۲۲۶
هماهنگ سازی کمک‌های خارجی در حوزه اقتصادی.....	۲۲۷
هماهنگ سازی با جامعه کمک‌رسانی خارجی.....	۲۲۹
هماهنگی فعالیت مؤسسات وابسته به سازمان ملل متحد در هائیتی.....	۲۳۱
نماینده سازمان ملل متحد در هائیتی.....	۲۳۳
مروری بر نقش مؤسسات وابسته به سازمان ملل متحد در هائیتی.....	۲۳۳
توصیه‌ها و پیشنهادات.....	۲۳۴
ارائه راهکارهایی برای اصلاح کارکرد صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی.....	۲۴۷
ارائه راهکارهایی برای اصلاح عملکرد شورای اقتصادی و اجتماعی.....	۲۵۲
منابع فصل سوم.....	۲۶۱
نتیجه‌گیری.....	۲۶۳
فهرست منابع و مآخذ.....	۲۶۷
منابع فارسی.....	۲۶۷
منابع انگلیسی.....	۲۶۸
منابع اینترنتی.....	۲۶۹

بسمه تعالی

پیشگفتار

خدای بزرگ را سپاسگزارم که بار دیگر مرا مرهون الطاف بی‌دریغ خود قرار داد تا موفق گردم اثری دیگر را تهیه و به زیور طبع بیارایم. این کتاب حاصل و نتیجه طرحی تحقیقاتی است که بر مبنای اعتبار ویژه علمی (گرت) و در قالب قراردادی برای معاونت پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران تهیه و ارائه شده است. در دانشگاه تهران معمول و مرسوم است که چکیده و خلاصه طرح‌ها از طریق معاونت‌های پژوهشی دانشکده‌ها و مؤسسات مربوطه به معاونت پژوهشی دانشگاه گزارش می‌شود در عین حال نتایج طرح را می‌توان برای استفاده عموم به چاپ رسانید. همان گونه که از عنوان آن نیز بر می‌آید این پژوهش به بررسی نقش سازمان ملل متحد در توسعه همکاری‌های اقتصادی می‌پردازد. از این رو و به منظور فهم بهتر موضوع در چارچوب سازماندهی و تنظیم مطالب کتاب لازم دیدم ابتدا چارچوب تئوریک موضوع را توصیف و تبیین نموده و سپس نوع همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی را بیان داشته و انواع سازمان‌ها و مؤسساتی که در چارچوب نهادی سازمان ملل در این عرصه فعالیت می‌کنند را معرفی نموده و نوع عملکردشان را توضیح دهم و در فصل دوم نیز استراتژی‌های سازمان ملل از بدو تشکیل تا زمان حاضر را تبیین نموده و در مرحله پایانی راهبردهای شورای اقتصادی و اجتماعی به عنوان نهاد هماهنگ کننده فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در کشورهای جنوب را بررسی نمایم و اینکه برای بهبود روندهای پیش رو در انتها بخشی از راهکارهایی که می‌تواند در بهبود عملکرد این نهاد مؤثر باشد را معرفی کرده‌ام.

به هر حال، امید است کتاب پیش رو مورد استفاده و بهره‌برداری پژوهشگران و دانشجویان علاقه‌مند به مباحث سازمان‌های بین‌المللی به ویژه علاقمندان به مباحث همکاری‌های اقتصادی سازمان ملل متحد قرار گیرد.

جا دارد در این جا از کلیه دست‌اندرکاران و مسئولان و همکاران محترم پژوهشی دانشگاه و دانشکده حقوق و علوم سیاسی که چه با موافقت انجام این طرح و چه پس از آن با نقدهای دلسوزانه خود و یا اقدامات لازم دیگر زمینه انجام این پژوهش را فراهم و یا تسهیل نمودند تشکر نمایم، همچنین لازم می‌دانم از آقای دکتر منوچهر پایور که در انجام این پژوهش با اینجانب همکاری مشفقانه و نزدیکی داشتند صمیمانه قدردانی نمایم. ایضاً از سرکار خانم علی بابت حروف نگاری این اثر و نیز جناب آقای دکتر عباس شیرینی مدیر محترم نشر میزان و سرکار خانم قربانی مدیر محترم داخلی انتشارات میزان بابت فراهم سازی زمینه چاپ و نشر این اثر صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم.

مؤلف

به نام خدای علیم

مقدمه:

امروزه، گرچه مردم، سازمان ملل متحد را بیشتر به عنوان حافظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌شناسند و تصورشان بر این است که این نهاد بین‌المللی صرفاً وظیفه دارد که در قبال تهدید صلح، نقض صلح و یا عمل تجاوزکارانه بایستد، از سایر وظایف و مسئولیت‌های این سازمان یا مطلع نیستند و یا کم اهمیت می‌شناسند، در حالی که سازمان ملل متحد گرچه مهمترین وظیفه و هدفش حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد لکن برای تحقق این هدف و الا نیز لازم است زمینه‌ها و بستر مناسب تحقق یابد تا حفظ و تداوم صلح امکان پذیر شود. از جمله نقش‌های مهم سازمان ملل متحد کمک در جهت توسعه همکاری‌های بین‌المللی است. چنانچه از میان ۱۱۱ ماده منشور ملل متحد، ۱۸ ماده به همکاری‌های بین‌المللی، از جمله همکاری‌های اقتصادی، اختصاص یافته است و نیز در مقدمه و مقاصد سازمان ملل متحد (بند ۳ ماده ۱)، فصل نهم (مواد ۶۰-۵۵) راجع به همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی و بین‌المللی، فصل دهم (مواد ۷۲-۶۱) در مورد ساختار و وظایف سازمان و نیز ماده ۲ از فصل اول در زمینه همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

تاکنون نیز سعی و تلاش بر این بوده است که فعالیت سازمان ملل متحد در این زمینه بر پایه‌ای منصفانه و به سود پیشرفت اقتصادی کشورها، به ویژه ممالک رشد یابنده باشد و سازمان در این راه مراحل را پشت سر گذاشته است؛ از بدو تاسیس تا سال ۱۹۶۰ توجه سازمان بیشتر معطوف به تحکیم پایه‌های صلح و امنیت بین‌المللی و چگونگی دستیابی کشورهای فاقد استقلال و به دور از دسترسی به حق تعیین سرنوشت برای غلبه بر سرنوشت خویش بود، سالیانی که پایه‌های ساختار نظام نوین بین‌المللی در حال استحکام یافتن بود.

در این مرحله مسائل مربوط به همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی، وزنه کمتری داشته و شالوده اصول سنتی و تجزیه و تحلیل‌های عمومی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در آنها از تدابیر و برنامه‌های قابل اجرا به سود ملت‌های عقب مانده اقتصادی، و جهت‌یابی به سوی روابط عادلانه اقتصادی بین‌المللی نشانی نبود.

در عین حال، به منظور غلبه بر شالوده تفکرات سنتی گذشته در مرحله بعد و در فاصله سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۴ سعی بر این قرار گرفت که سازوکارهای توسعه همکاری‌های اقتصادی از جمله کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (انکتاد) [۱۹۶۴]، برنامه عمران ملل متحد (آندوپ) [۱۹۶۵]، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) [۱۹۶۴]، و دیگر اجزای اقتصادی ملل متحد در درون ساختار سازمان ملل متحد و به منظور ساماندهی امور اقتصادی بین‌المللی پایه ریزی شود.

در میان سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۴، مسائل مربوط به ضرورت رفع موانع رشد و توسعه یافتگی در چارچوب همکاری بین‌المللی، به خاطر تکامل بخشی مهم از فعالیت‌های سازمان، در قطعنامه‌ها و تدابیر عملی پیشنهاد و همچنین ایجاد ساختارهای متناسب، بازتاب نیرومندی یافت. از این رو، مجمع عمومی در سال ۱۹۶۰، «نخستین دهه توسعه» را اعلام کرد که در چارچوب آن، همکاری در بخش‌های مختلف و به صورت جدا از یکدیگر (بازرگانی، صنایع، تعاونی‌های مالی، فنی، و...) مورد بررسی قرار گرفت.

از نیمه دهه هفتاد میلادی تا پایان جنگ سرد (۱۹۸۹) نیز برنامه‌های سازمان ملل متحد بر مبنای ساختار شکل گرفته و در رقابت ناشی از جنگ سرد در حال انجام بود. در عین حال که قدم‌های مؤثر جدید نیز به فراخور حال برداشته شد، چنانچه در آغاز مرحله سوم، در سال ۱۹۷۴، با پیشنهاد ممالک رشد یابنده دایز بر تشکیل اجلاس فوق العاده (ششمین) مجمع سازمان ملل متحد برای استقرار نظام نوین اقتصادی بین‌المللی، همراه بود، اسناد تصویب شده، بدین مناسبت (اعلامیه اصولی و برنامه عمل)، که بدان منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها (مصوب مجمع عمومی در ۶ دسامبر ۱۹۷۴)، افزوده شد، گام مهمی تلقی می‌گردد، زیرا بیانگر دیدی فراگیر بوده، به مناسبات نوین میان کشورها در زمینه همکاری‌های اقتصادی، چارچوبی حقوقی بخشید.

از آغاز دهه ۱۹۹۰ نیز به دنبال پایان یافتن جنگ سرد و آغاز دوران جدید در تعاملات بین‌المللی و غلبه اندیشه لیبرال دموکراسی غربی و بدنبال آن ضرورت ورود به عرصه بی رقیب اقتصاد بازار و تقویت نهاد متولی این سیاست یعنی سازمان تجارت جهانی همه کشورها در این تلاش بسی پایان بوده و هستند که از کاروان پیشرفت اقتصادی باز نمانند.

در این میان نقش سازمان ملل که از یک سو متکفل حفاظت از منافع قدرت‌های بزرگ صنعتی و از سوی دیگر متعهد به ارائه خدمات و کمک‌رسانی به کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته می‌باشد، نقشی برجسته و درخور است.

سازمان ملل متحد در دهه‌های اخیر به ویژه پس از جنگ سرد در فرایند جهانی شدن اقتصاد و گسترش وابستگی متقابل بین جوامع و آسیب‌پذیری بیش از پیش اقتصادهای ضعیف نقش خود را ایفا کرده است، نقشی بر پایه اصول و معیارهای منشور و با این باور که فقر و عقب‌ماندگی اقتصادی مبنای بسیاری از مشکلات و رفتاری‌های بشری است و باید با آن مبارزه کرد و سازمان ملل متحد در این دوران نیز همچون گذشته با اتکاء به امکانات و توانمندی‌هایی که در اختیار داشته و دارد در این مسیر کوشیده است، هرچند موفقیت‌چندانی بدست نیاورده است. در عین حال رویکرد سازمان بر این بوده و هست که: «حق توسعه و داشتن حیات سالم جزو حقوق طبیعی بوده که مبتنی بر عقل و خرد می‌باشد و از خصوصیتی ماوراء دولتها و افراد برخوردار است هرچه علم گسترش یابد و تمدن پیچیده‌تر شود فاصله میان برابری نظری و آرمانی با نابرابری‌های علمی و اجتماعی بیشتر می‌شود» (ناصر کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، ۱۳۷۷، ص ۴۶۰).

از لحاظ نظری همه پذیرفته‌اند که انسانها باید برابر باشند، قانون یکسان بر آنان حکومت کند و همه از حقوق مساوی برخوردار باشند ولی این برابری نظری همه جا با نابرابری عملی روبرو است: از دیرباز موانع سیاسی و اقتصادی تعصب‌های نژادی، قومی و مذهبی، اختلاف در جنس، به تبعیض میان انسانها دامن زده است و مانع تحقق آرمان برابری بوده است ولی پیشرفت صنعت و تنوع وسایل آسایش سلیقه و خواهش‌ها را نیز گونه‌گون ساخته است و مسابقه برای تکاثر و بهره‌برداری از مواهب تمدن را فشرده‌تر کرده است چندان که می‌توان گفت در دوران ما تنها نوع نابرابری‌ها

تغییر یافته است. اختلاف شیوه زندگی و شرایط آن، میان ثروتمندان و کارخانه داران بزرگ و کارگران به مراتب شدیدتر از اشراف پیشین و رعایا است (ناصر کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، ۱۳۷۷ ص ۴۶۹-۴۶۸).

در ورای تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی جوامع فقیر، همه آنها در یک ویژگی با هم اشتراک دارند و آن (توسعه نیافتگی) می‌باشد. آنها به درجات گوناگونی از توسعه می‌رسند که حاصل آن همان روند توسعه یافتگی در کشورهای توسعه یافته نیست. توسعه نیافتگی از یک سو ناشی از مناسبات حاکم درون کشورهای جوامع فقیر است و از سویی به عملکرد نا عادلانه سرمایه داری بین‌المللی مربوط می‌شود. یکی از علل مشکلات کشورهای فقیر، جهانی شدن اقتصاد است که با توسل به فناوری‌های تکنولوژیکی، کشورهای جوامع فقیر را درگیر این فرایند کرده است. "شهرنشینی بدون ضابطه، تولید ناخالص ملی اندک، محصور بودن صادرات مواد اولیه، بدهی‌های کلان، ضعف در رقابت صنعتی، فقدان صنایع مادر، نهادهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی توسعه نیافته، مشکلات مربوط به انتقال قدرت، نظام مالیاتی، تقسیم ناعادلانه ثروت و نوسان در تعریف منافع ملی و نظایر اینها همه از مقوله‌های جوامع فقیر هستند" (محمود سریع القلم، عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵). محدودیت نظام آموزشی، جنگ‌های داخلی، مسایل زیست محیطی، مواد مخدر، مهاجرت، بدهی‌های سنگین، ساختار اقتصادی غیر واقع بینانه، فساد اجتماعی و عدم انسجام درونی از مشکلات مربوط به جوامع فقیر می‌باشد.

«در مفهوم وسیع تر، توسعه تنها به معنای رشد اقتصادی نیست بلکه توسعه دستمزدها، کاهش فقر و حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار را در خود جای داده است. دوم اینکه با افزایش وابستگی متقابل جهانی، شکل توسعه و پیامدهای آن به تمامی جهان سرایت می‌کند.» (سرژلاتوش، غربی سازی جهانی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۲).

تحلیل گران و دانشگاهیان جوامع فقیر بر این باورند که جوامع فقیر از سیر توسعه یافتگی در عصر جهانی شدن سود نبرده‌اند. در بسیاری از جوامع فقیر، سرمایه داری حتی از تأمین حداقل بقاء برای اکثریت جمعیت ناتوان است. صاحبان پول و سرمایه با بهره‌گیری از تکنیک‌های موزیانه امپریالیستی، بدون توجه به وضعیت اسفبار انسانی، اهداف خود را به پیش می‌برند. در دهه ۱۹۹۰ مسأله بقاء جای مفهوم توسعه را در

کشورهای توسعه نیافته گرفته است. واکنش متداول به این بحران مقاومت و غالباً بروز خشونت است و عکس العمل قابل پیش بینی دولت سرکوب با هر وسیله ممکن می باشد. طرح های مؤسسات مالی بین المللی، آنگونه که در کشورهای اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم موفق عمل کرد، در مسیر توسعه یافتگی در کشورهای جوامع فقیر ناموفق بوده است و تنها مروج افکاری بوده است که کشورهای فقیر را به صورت جدی تری، در فقر نگاه داشته است.

«سازمان برنامه توسعه ملل متحد در دهه ۱۹۹۰ اعلام کرد که اکنون ۱/۲ میلیارد نفر در جهان سوم در فقر مطلق به سر می برند و بیش از نیمی از کودکان این کشورها یا گرسنه اند یا دچار سوء تغذیه اند و ۱/۶ میلیارد نفر آب آشامیدنی سالم ندارند و بیش از دو میلیارد نفر بیکارند. برنامه توسعه سازمان ملل در ۱۹۹۲ در گزارش توسعه انسانی یادآوری کرد که اساساً در نتیجه نابرابری طلبی مستتر در برنامه های تعدیل ساختاری، شکاف درآمد بین فقیر و غنی در دهه ۱۹۸۰ دو برابر شده است و در آمد ۱/۵ از غنی ترین بخش جمعیت جهان بیش از ۱۵۰ برابر در آمد ۱/۵ از فقیرترین بخش جمعیت جهان است.» (احمد سیف. مجموعه مقالات جهانی کردن فقر و فلاکت، ۱۳۸۰، ص ۶۴-۶۱)

در طول دوره های تشدید جهانی شدن و افزایش سلطه اقتصادهای بازار سرانه تولید ناخالص داخلی آفریقا به صورت درصدی از سرانه تولید ناخالص داخلی کشورهای مرکز به نصف آن چیزی تقلیل یافت که در سال ۱۹۶۰ بود و موقعیت نسبی حتی کشورهای مرفه تر آمریکای لاتین که از شرایط مساعدتری برخوردار بودند در سالهای ۱۹۸۷ تنها به ۳/۵ آن چیزی که در سال ۱۹۶۰ بود کاهش یافت (هری مگداف، ۱۳۷۴، ص ۱۰۹-۱۰۷). نابرابری بین شمال و جنوب به شکل تفاوت های حیرت انگیز سطح زندگی کشورهای فقیر با جمعیتی بالغ بر ۴ میلیارد نفر و کشورهای ثروتمند با جمعیتی قریب به ۸۰۰ میلیون نفر خودنمایی می کند. این شکاف توسعه چالش های اخلاقی، سیاسی و اقتصادی برای کشورهای نسبتاً ثروتمند شمال ایجاد کرده است.

با وجود اینکه آتش بازی دهه ۷۰ خاموش شده است کشورهای جهان سوم کماکان بر کشورهای شمال فشار می آوردند تا اصلاحاتی را در نظم اقتصادی جهان به وجود آورند که می تواند به بن بست توسعه جهان کمک کند. مسأله بومی ها، مهاجرت

غیرقانونی، تخریب جنگل‌ها و نابودی طبیعت و تجارت مواد مخدر می‌تواند به طور غیر مستقیم به تداوم فقر جهان سوم منتهی شود.

مردم جوامع فقیر با رژیم غذایی کار می‌کنند که کمتر از ۱/۴ کالری مصرفی روزانه شهروندان شمالی است. طبق آمار سال ۱۹۹۰ بانک جهانی ۹۵۰ میلیون نفر از ۵/۲ میلیارد جمعیت جهان از سوء تغذیه مزمن رنج می‌برند. نرخ رشد جمعیت در جوامع فقیر ۳ برابر جوامع توسعه یافته است. در حالی که بیشتر از ۹۹ درصد شهروندان جوامع ثروتمند شرایط آموزش را دارند فقط ۶ درصد مردم جوامع فقیر چنین شرایطی را دارا هستند و این شرایط بین تمام اعضای جامعه یکسان نیست (تامس لارسون و دیوید اسکیدمور، ۱۳۸۵، ۲۱۰-۲۰۹). با اینکه کشورهای ثروتمند بیشترین کمک‌ها را به کشورهای فقیر کرده‌اند اما در کاهش فقر و بهبود وضعیت انسانی تاثیر چندانی نداشته‌اند. بنابر ارزیابی بانک جهانی پس از ربع قرن جریان یافتن کمک‌ها ۱/۳ جمعیت جهان همچنان در فقر مطلق به سر می‌برند. شواهد زیادی از نارضایتی کشورهای جهان سوم از کمک‌های خارجی وجود دارد. همراه با کمک‌های خارجی در برزیل و هند و اندونزی جنبش‌های مردمی و اعتراضاتی بر علیه نابرابریهای اجتماعی و نابودی طبیعت به وجود آمد. نارضایتی شدید از سوء استفاده و دزدی از کمک‌های خارجی در بی ثباتی اوضاع نقش زیادی داشت. اصلاحات سیاسی که کشورهای اعطا کننده کمک از کشورهای فقیر می‌خواهند موجب اغتشاش و آشوب در میان این کشورها شد. روستائیان هائیتی در یک حرکت نمادین در سال ۱۹۹۵ با تکان دادن شمشیرهای خود تلاش کردند هلی کوپترهای حامل کمک‌های غذایی آمریکایی را از کشور خود دور کنند. گفته می‌شود جمعیت جهان از ۶/۵ میلیارد نفر در ۲۰۰۷ به ۸/۹ میلیارد نفر در ۲۰۵۰ خواهد رسید. در کشورهای آفریقایی به علت ناامنی محیط زیست، منابع آشامیدنی و غذایی کافی و سالم وجود ندارد. ۸۰۰ میلیون نفر در کشورهای توسعه نیافته جهان و حداقل ۲۴ میلیون نفر در کشورهای توسعه یافته غذای کافی و سالم ندارند. این افراد روزانه از گرسنگی، سوء تغذیه و غذای ناسالم رنج می‌برند. مشکل این افراد، نبود حقوق کافی و قابل اجرا در عرضه و توزیع غذا بین مردم است.

دسترسی افراد به غذا تحت تاثیر عوامل گوناگونی مثل فقدان حقوق و توزیع نامناسب غذا، وضعیت محیط زیست، حوادث طبیعی و تعارضات بوده است. در ۱۹۷۷،

۵۷ میلیون نفر از تولید مواد غذایی مورد نیاز خود به علت از بین رفتن زمین هایشان ناتوان بودند و این تعداد در ۱۹۸۴ به ۱۳۵ میلیون نفر افزایش پیدا کرد. در قاره آفریقا خشکسالی‌های پیاپی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ باعث قحطی و بروز جنگ‌های داخلی در مناطقی شد که از لحاظ غذایی وضعیت ناامنی داشتند. به طوری که گفته شد از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۵ بیشتر از ۵۰ میلیون نفر در اثر عواقب ناشی از جنگ‌ها جان خود را از دست داده‌اند (Messer, Ellen, 2002). خشونت گسترده در جنوب سودان در سالهای اخیر بیش از ۲ میلیون نفر را در حالت گرسنگی و نیاز فوری به کمک غذایی گذاشته است (FAO, 1999, 2000). اخیراً بروز مصائب طبیعی در بخش‌هایی از آفریقا و جنوب آسیا موجب بی‌خانمان شدن میلیون‌ها نفر شده است. کمک‌های سازمان ملل متحد نه تنها در بهبود اوضاع تاثیر چندانی نداشته است حتی در برخی موارد در وخیم‌تر شدن اوضاع نقش داشته است. شاید اندکی فروتنانه باشد که مسأله جوامع فقیر را با مسأله توسعه مربوط بدانیم. اکنون بر همگان شناخته شده است که در جوامعی که هنوز مردمش از گرسنگی رنج می‌برند، اندیشه ترقی و توسعه تمایلی بلندپرواز به نظر می‌رسد.

در عین حال، سازمان ملل متحد بر اساس رسالت جهانی خویش و بر مبنای وظایفی که در منشور برای آن تعریف شده در صدد این بوده و هست که با عرضه کمک‌های انسان دوستانه، انجام خدمات اقتصادی، فنی، آموزشی، بهداشتی، و ارائه راهکارهایی که حتی الامکان از بخشی از دامنه گسترده فقر عمیقی که گریبانگیر مردمی که در نواحی مختلف با آن روبرو هستند و شمه‌ای از آن بازگو شد، بکاهد. بی‌شک در این راستا استراتژی سازمان ملل در برنامه چشم‌انداز آینده مبتنی بر الگوها و اهدافی خواهد بود که در نشست سران عضو سازمان ملل در اجلاس هزاره سوم (۲۰۰۰) و در مسیر دستیابی به توسعه قرن ۲۱ ارائه شد، اهدافی چون از بین بردن فقر و گرسنگی، اعطاء امکانات به این منظور که تمامی کودکان بتوانند تحصیلات دبستانی خود را به پایان برسانند، ایجاد مساوات جنسی و افزایش شأن و منزلت اجتماعی زنان، کاهش مرگ و میر کودکان، بهبود وضعیت سلامتی مادران، مبارزه با ایدز، مالاریا و امراض دیگر، تلاش در جهت پایدار نگه داشتن محیط زیست سالم، افزایش همکاری کشورها جهت رسیدن به مراتب بالاتری از توسعه. در کتاب پیش رو نیز سعی شده است از

زوایای مختلف نقش سازمان ملل متحد در توسعه همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی مورد ارزیابی قرار گیرد. نقشی که در جامعه ما کمتر مورد توجه دانشگاهیان و اهل اندیشه و قلم قرار گرفته است.

در این راستا بود که نگارنده بر حسب احساس وظیفه و به منظور پر کردن بخشی از خلأ موجود کوشیده است در این نوشتار به این نقش برجسته و در عین حال مغفول سازمان ملل متحد پردازد با این امید که دیگران نیز با بیان نقطه نظرات و ارائه دیدگاه‌های جدیدتر بر غنای بحث بیفزایند.

سید داود آقایی

پاییز ۱۳۹۳